

Future Studies of the Islamic Revolution through the Analysis of the Socio-Cultural Developments of Contemporary Iran

Mostafa Ghorbani

Assistant Professor of Political Science, Shahid Mahalati University of Islamic Sciences, Qom, Iran (Corresponding author).

mahboub1395@gmail.com

Ehsan Mostafapour

Assistant Professor of Sociology, Shahid Mahalati University of Islamic Sciences, Qom, Iran.

mostafapour1357@yahoo.com

Abstract

The emergence of some dynamics inconsistent with the familiar and dominant values and practices in the socio-cultural environment of Iranian society has raised the question that despite these dynamics, how will the ideal future for the Islamic revolution be determined? It is assumed that these dynamics will be able to be internalized in case of activation of the broad capacities of Shia jurisprudence and cannot threaten the stability of the Islamic revolution. Relying on Parsons' theory of structural functionalism and identity politics, to understand these developments and using scenario planning method and Micmac software to identify key (strategic) variables, relying on library and documentary sources as well as interviews with experts, these findings have been obtained that Although these developments cannot cause political collapse as one of the possible scenarios, they can be effective in accelerating the formation of blind riots and transformation as a possible scenario for the future of the Islamic Revolution. Also, the findings show that the establishment of the desirable future of the Islamic Revolution, according to the developments in the cultural and social field of contemporary Iran, depends on the activation of the foundation-breaking capacities of Shia jurisprudence to provide a valid answer to these developments and their internalization on the one hand, and the efficiency of the Islamic Republic For solving the challenges of people's daily life by relying on internal capacities and reviving the unity of elites and political currents of the country on the other.

Keywords: Future Studies, Islamic Revolution, Socio-cultural Developments, Urban Middle Class, Dynamic Jurisprudence, Effectiveness.

آینده پژوهی انقلاب اسلامی با نگرشی به تحولات فرهنگی - اجتماعی ایران امروز

مصطفی قربانی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی، قم، ایران (نویسنده مسئول).
mahboub1395@gmail.com

احسان مصطفی پور

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی، قم، ایران.
mostafapour1357@yahoo.com

چکیده

وقوع برخی تغییرات ناهمسو با ارزش‌ها و شیوه‌های مألوف و مسلط در فضای فرهنگی اجتماعی جامعه ایران، این سؤال را ایجاد کرده است که با وجود این تغییرات، آینده مطلوب برای انقلاب اسلامی چگونه رقم خواهد خورد؟ فرض بر آن است که این تغییرات در صورت فعال‌سازی ظرفیت‌های گره‌گشای فقه شیعه، قابلیت هضم و درونی‌سازی داشته و نمی‌تواند پایداری انقلاب اسلامی را در معرض تهدید قرار دهد. با اتکا به نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز و سیاست هویت برای فهم این تغییرات و استفاده از روش سناریوپردازی و نرم‌افزار Mimap برای شناسایی متغیرهای کلیدی (راهبردی)، با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین، مصاحبه با صاحب‌نظران، این یافته‌ها به‌دست‌آمده که این تحولات اگرچه نمی‌تواند سبب فروپاشی سیاسی به‌عنوان یکی از سناریوهای ممکن شود، اما می‌تواند در تسریع شکل‌گیری جنبش‌های ریزوموار، آشوب‌های کور و استحاله به‌عنوان سناریوی محتمل برای آینده انقلاب اسلامی تأثیرگذار باشد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که رقم خوردن آینده مطلوب انقلاب اسلامی با توجه به تحولات حوزه فرهنگی اجتماعی ایران امروز، منوط به فعال‌سازی ظرفیت‌های گره‌گشا و بن‌بست‌شکن فقه شیعه برای ارائه پاسخ معتبر به این تغییرات و درونی‌سازی آنها از یک‌سو و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در حل و رفع چالش‌های زندگی روزمره مردم با اتکا به ظرفیت‌های داخلی و احیای انسجام نخبگان و جریان‌های سیاسی کشور، از سوی دیگر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، انقلاب اسلامی، تحولات فرهنگی - اجتماعی، طبقه متوسط شهری، فقه پویا، کارآمدی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

فصلنامه راهبرد، سال ۳۱، شماره ۳، پیاپی ۱۰۴، پاییز ۱۴۰۱، صص ۵۳۳-۵۶۲

مقدمه و بیان مسئله

پرسش از آینده انقلاب اسلامی، وقوع برخی تحولات محیطی و عدم آگاهی از آینده، ایجاب می‌کند تا به آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی پرداخته شود. به بیان دقیق‌تر، آنچه که آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی را به یک ضرورت تبدیل کرده، همانا «سکون نسبی دیروز، تغییرات گسترده امروز و شگفتی‌های فردا» است.

اساسی‌ترین نکته در مورد آینده‌پژوهی آن است که تحلیل، طراحی و ساختن آینده بر پایه ارزش‌های جامعه هدف آینده‌پژوهی است؛ بنابراین، برخلاف تصور رایج، آینده‌پژوهی در پی پیش‌بینی آینده نیست، زیرا در پیش‌بینی، منفعلانه با آینده برخورد می‌شود، اما آینده‌پژوهی درصدد تسلط بر آینده است؛ بنابراین، می‌توان گفت که آینده‌پژوهی معطوف به ارائه راه‌حل‌هایی برای زمان حال است تا با توجه به آن بتوانیم آینده مطلوب خود را بسازیم. از این نظر، پژوهش‌های با رویکرد آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین الزامات ماندگاری انقلاب اسلامی است.

در همین زمینه می‌توان گفت که یکی از اساسی‌ترین و پرتحول‌ترین حوزه‌هایی که قابلیت تأثیرگذاری جدی بر کیفیت تعیین سرنوشت کشور و انقلاب اسلامی دارد، حوزه فرهنگی - اجتماعی است، زیرا این حوزه در سال‌های اخیر واجد تحولاتی شده که سمت‌وسوی آن الزاماً در راستای موردنظر حوزه‌های رسمی نیست.

۱. اهداف پژوهش

- ۱- بازنمایی وضعیت، کیفیت و پیامدهای تحولات رخ داده در حوزه فرهنگی اجتماعی کشور؛
- ۲- آگاه‌سازی مسئولان نسبت به وضعیت تحولات فرهنگی کشور و پیامدهای برخی اقدام‌ها و تصمیم‌های آنان؛
- ۳- ارائه شیوه درست مواجهه با تحولات فرهنگی اجتماعی به‌جای اتخاذ رویکردهای سلبی صرف.

۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱- با توجه به تحولات و وضعیت فرهنگی اجتماعی کشور، چه برنامه‌ریزی



فرانامه‌ای برای آینده انقلاب اسلامی متصور است؟

۲- آینده مطلوب انقلاب اسلامی با توجه به تحولات مذکور چگونه رقم خواهد خورد؟

۳. پیشینه پژوهش

اگرچه به تحولات فرهنگی اجتماعی کشور و همچنین آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی در آثار مختلف پرداخته شده است، اما آثاری که به‌طور مستقیم به آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی با توجه به تحولات فرهنگی اجتماعی ایران پرداخته باشند، بسیار معدود می‌باشد. در ذیل به معرفی چند مورد از آثار مرتبط با پژوهش حاضر پرداخته می‌شود:

۱- رضایی بحرآباد و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «فرایند تغییرات فرهنگی ایرانیان (تحلیل روایت تغییرات چند فرد ایرانی در چند دهه اخیر)»، با روش روایت‌پژوهی، نشان می‌دهند که باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در حال تغییر بوده و سمت و سوی این تغییر از سنتی و مذهبی به عرفی و مدرن بوده و شدت آن در میان تحصیلکردگان بیشتر می‌باشد. هدف این مقاله صرفاً بررسی روند تغییرات فرهنگی در ایران می‌باشد؛ بنابراین، اگرچه برای فهم تغییرات فرهنگی در ایران مناسب است، اما به نتایج این تغییرات از جمله در باب چگونگی رقم خوردن آینده انقلاب اسلامی نپرداخته است.

۲. مجموعه مقالات «تغییرات فرهنگی پس از انقلاب» حاوی هشت مقاله درباره تغییرات پس از انقلاب اسلامی در حوزه‌های ادبیات، سینما، فضای سایبر، ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی، تفاوت‌های نسلی و... است که از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات تدوین شده است. اگرچه در برخی مقالات به سمت و سوی آینده تغییرات فرهنگی اشاره شده، اما در مجموع رویکرد این اثر توصیفی بوده و به تحلیل تأثیرات این تغییرات بر آینده جامعه و نظام سیاسی در ایران نپرداخته است.

۳- حاجی‌ناصری و شیخ‌سرائی (۱۳۹۶) در مقاله «آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی» به آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی با توجه به تحولات حوزه سیاسی ایران پرداخته‌اند. این مقاله را می‌توان از نزدیک‌ترین پژوهش‌ها به پژوهش حاضر دانست، با این تفاوت که در این مقاله، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی با توجه به تحولات سیاسی و نه فرهنگی اجتماعی انجام شده است.



۴- از دیگر آثار مرتبط با پژوهش حاضر می‌توان به کتاب «آینده پژوهی انقلاب اسلامی؛ بیم‌ها و امیدها» نوشته علی دارابی (۱۳۹۶) و کتاب «تحلیلی بر چارچوب مطالعاتی آینده انقلاب اسلامی» نوشته محمدرحیم عیوضی (عیوضی، ۱۳۹۴) اشاره کرد که با وجود داشتن دقت‌نظرهای مناسب، با توجه به گذشت حدود یک دهه از تاریخ تألیف آنها، بخشی از مسائل نوظهور را پوشش نمی‌دهند. با توجه به آنچه گفته شد، نوآوری پژوهش حاضر در درجه اول در تمرکز آن بر تحولات حوزه فرهنگی اجتماعی کشور و سپس بازه زمانی مورد بررسی آن؛ یعنی تحولات حال حاضر کشور می‌باشد. این موضوع بدان روی اهمیت دارد که به نظر می‌رسد در کمتر از یک دهه گذشته، وضعیت تحولات فرهنگی اجتماعی کشور تفاوت‌های مشخصی با گذشته دارد.

۴. چارچوب نظری: کارکردگرایی ساختاری و سیاست هویت

چارچوب نظری پژوهش حاضر تلفیقی است و از دو نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز و سیاست هویت مانوئل کاستلز و کیت نش که به صورت مختصر توضیح داده می‌شود، بهره‌برداری شده است.

مسئله اصلی در کارکردگرایی ساختاری پارسونز، حفظ و توجیه نظم اجتماعی است. برای این منظور، وی با مشخص کردن چهار کارویژه و چهار زیرنظام در هر نظام اجتماعی، نظریه‌پردازی خود را به چگونگی حفظ تعادل در نظام اجتماعی معطوف کرده است. بنا به نظریه پارسونز، انجام چهار کارویژه اساسی برای تداوم خود هر نظام اجتماعی ضروری است:

- حفظ انسجام و همبستگی (حفظ الگو)^۱: این کارویژه از سوی نظام ارزشی جامعه (شامل مذهب، خانواده و فرهنگ) انجام می‌شود. ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و نقش‌ها عناصر همبستگی‌اند. ارزش‌ها و هنجارها در درون نظام سیاسی اساس اطاعت سیاسی محسوب می‌شوند.

- ایجاد یکپارچگی^۲ و حل منازعه: این کارویژه از سوی نظام حقوقی انجام می‌شود.

- تحقق اهداف^۳: نظام سیاسی انجام این کارویژه را بر عهده دارد.

- انطباق^۴ با شرایط جدید و متغیر: نهادهای نظام اقتصادی نیز این کارویژه را انجام

1. Pattern Maintenance or Latency

2. Integration

3. Goal Attainment

4. Adaptation



می‌دهند (ریترز، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۱).

همچنین از دیدگاه پارسونز، نظام سیاسی این کارویژه‌های چهارگانه را انجام می‌دهد: ایدئولوژی و قانون اساسی کارویژه حفظ الگو یا همبستگی اجتماعی را انجام می‌دهد، دستگاه قضائی حل منازعات، دستگاه دیوانی نیل به اهداف و حکومت (قوه مجریه) انطباق با شرایط جدید را به ترتیب انجام می‌دهند. از نظر پارسونز، نظام اجتماعی دارای چهار زیرنظام است که حفظ تعادل میان آنها ضامن حفظ تعادل در نظام اجتماعی است. این زیرنظام‌ها عبارت‌اند از:

- زیرنظام اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین زیرنظام است که کارویژه همبستگی اجتماعی و ایجاد وفاداری‌های جمعی را برعهده دارد،

- حفظ الگوهای فرهنگی که شکل‌گیری ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های فرهنگی را تضمین می‌کند،

- زیرنظام سیاسی که بسیج منابع برای تحقق اهداف را برعهده دارد،

- زیرنظام اقتصادی که کارویژه تطبیق؛ یعنی هماهنگی با تحولات جامعه را انجام می‌دهد (قوم، ۱۳۷۳، صص. ۴۲-۴۳).

مسئله اصلی در کارکردگرایی ساختاری پارسونز، همان‌گونه که گفته شد، حفظ تعادل نظام اجتماعی است. برای این منظور، پارسونز معتقد است که ثبات نظام اجتماعی مستلزم استمرار تعادل میان نظام‌های فرعی است. تعادل میان زیرنظام‌ها در سه صورت به هم می‌ریزد:

- تفاوت آهنگ تغییر میان زیرنظام‌ها؛

- تحول در نظام فرهنگی و آموزشی که کل نظام را بی‌ثبات می‌سازد؛

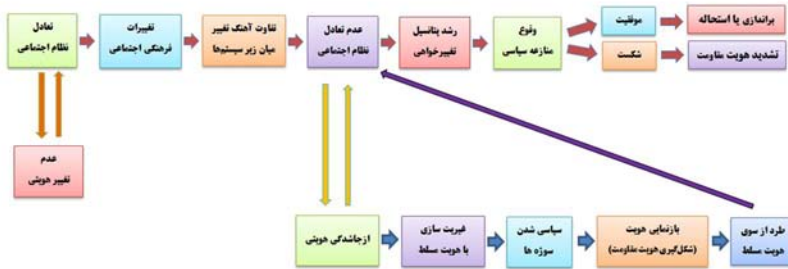
- تأخیر در پیدایش عوامل همبستگی نسبت به تنوع ساختار اجتماعی؛ یعنی به موازات تغییر ساختار اجتماعی، باید عوامل جدید همبستگی هم تولید شود. چنانچه در پیدایش این عوامل، تأخیر ایجاد شود، نظام اجتماعی دچار عدم تعادل می‌شود (بلاندل، ۱۳۷۸، صص. ۳۵-۳۶).

در بحث از سیاست هویت نیز از دیدگاه‌های «مانوئل کاستلز» و «کیت نش» استفاده می‌شود. سیاست هویت به کنش‌های سیاسی آگاهانه متأثر از هویت کنشگران یا چگونگی تأثیر هویت بر سیاسی شدن سوژه‌ها می‌پردازد. براین اساس، وقتی هویتی مسلط شده و منابع قدرت را در اختیار می‌گیرد، دیگر هویت‌ها که به حاشیه رانده تلقی می‌شوند، با بازنمایی هویت خود تلاش می‌کنند که به مقاومت در برابر هویت مسلط بپردازند. در واقع، آنها می‌کوشند تا با «هویت مقاومت» و



برجسته‌سازی هویت خود، به غیریت‌سازی با هویت مسلط روی آورند (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲، ص. ۲۷). سیاست هویت محصول نوعی «چرخش فرهنگی» است؛ بدین معنا که در سیاست هویت، همه مسائل بر اساس علایق و دغدغه‌های فرهنگی پی‌جویی می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، در سیاست هویت بر «مبارزه بر سر تعریف معناها، ایجاد هویت‌ها و شیوه‌های جدید زندگی» تأکید می‌شود (نش، ۱۳۹۴، صص. ۱۲۹-۱۳۰).

در تلفیق این دو نظریه می‌توان گفت که با به هم خوردن تعادل نظام اجتماعی، در اثر تحولات فرهنگی (تفاوت آهنگ تغییر میان زیرسیستم‌های نظام اجتماعی)، از جاشدگی‌های^۱ هویتی شکل می‌گیرد که طی آن، لایه‌هایی از جامعه که در معرض تغییرات فرهنگی اجتماعی بوده‌اند، نسبت به هویت مألوف سابق بی‌تفاوت شده و آماده پذیرش هویت(های) جدیدی می‌شوند. در این شرایط، آنها با غیریت‌سازی در برابر هویت مسلط، سیاسی شده و با بازنمایی هویت خود تلاش می‌کنند تا ضمن ابراز وجود، در برابر هویت مسلط به مقاومت بپردازند. در واقع، آنها با مقاومت در برابر هویت مسلط می‌کوشند تا هم از آن اعتبارزدایی کرده و هم زمینه را برای شناسایی و پذیرش خود فراهم کنند. در نقطه مقابل، هویت مسلط نیز در چنین وضعیتی، به تشدید خصلت آنتاگونیستی با آنها پرداخته و آنها را طرد می‌کند. در این شرایط، عدم تعادل شکل گرفته در نظام اجتماعی تشدید شده، حوزه فرهنگی اجتماعی واجد تکثر و تنوع شده و ظرفیت یا انگیزه‌های تغییرخواهی سیاسی از سوی لایه‌های اجتماعی از جاشده تقویت می‌شود. متأثر از این روند، امکان شکل‌گیری یا وقوع منازعه سیاسی میان لایه‌های اجتماعی از جاشده با هویت مسلط تقویت می‌شود که در صورت تحقق اهداف منازعه، سناریوها از براندازی نظام حاکم تا استحاله هویتی رخ می‌دهد و در صورت شکست مبارزه، آنان به مقاومت علیه هویت مسلط یا نظام حاکم در ابعاد و حوزه‌های مختلف ادامه می‌دهند. آنچه گفته شد را می‌توان به‌عنوان مدل تحلیلی به شکل زیر ترسیم کرد:



شکل (۱): مدل تحلیلی پژوهش

۵. روش پژوهش: سناریونگاری

«سناریونگاری» از روش‌های آینده‌پژوهی است. سناریوها کشف و تدوین مسیرهای گوناگون برای آینده و حرکت مناسب در مسیرهای مذکور را فراهم می‌کنند. از دیدگاه شوارتز، سناریو ابزاری برای نظم بخشیدن به درک و تصور شخص نسبت به محیط‌های بدیل آینده می‌باشد (نقل از: حاجی ناصری و شیخ‌سرایبی، ۱۳۹۶). از دیدگاه مایکل پورتر نیز سناریو دیدگاهی (دورنمایی) است با سازگاری درونی و محتوایی نسبت به آنچه در آینده می‌تواند رخ دهد (نقل از: حاجیانی و قصاب، ۱۳۹۲، ص. ۴۶)؛ بنابراین، سناریوپردازی؛ یعنی کشف و تدوین مسیرهای متفاوت آینده.

سناریوها بر اساس معیارهای مختلف، انواعی دارند که یکی از آنها تقسیم‌بندی اکتشافی/هنجاری است. سناریوهای اکتشافی به این بحث که «چه چیزی ممکن است رخ دهد؟» می‌پردازند. کار این سناریوها از زمان حال شروع شده و به تدریج به سمت آینده حرکت می‌کند؛ بنابراین، سناریوپرداز، نیروهای موجودی را بررسی می‌کند که نتیجه درهم‌کنش آنها آینده را رقم می‌زند. سناریوهای هنجاری نیز انعکاس نیازهای سازمان و بنابراین، هدف‌محورند. اینکه «ما می‌خواهیم آینده چگونه شکل گیرد؟» پرسش بنیادین این سناریوها می‌باشد. طراحی و تدوین این نوع سناریوها از شناسایی موقعیتی مطلوب در آینده شروع می‌شود و این آینده ممکن است با روندهای جاری تعارض داشته باشد. از این‌پس، سناریوپرداز به تدریج به سمت حال حرکت می‌کند تا بتواند گام‌های لازم برای رسیدن به آینده مطلوب را شناسایی کند (واعظی‌نژاد، ۱۳۹۶). در یک تقسیم‌بندی رایج‌تر، سناریوها را بر اساس انواع آینده‌دسته‌بندی می‌کنند. بر این اساس، باید از سه سناریو سخن گفت:

۱- سناریو (آینده) ممکن: سناریو ممکن عبارت است از هر تصور یا حالتی (خوب یا



بد، محتمل یا غیرمحتمل) که در آینده امکان وقوع دارد.
۲- سناریو (آینده) محتمل: سناریو محتمل؛ سناریویی است که بر اساس تداوم روندها یا تحولات گذشته، بیشترین احتمال را جهت به وقوع پیوستن در آینده دارد. در واقع، سناریویی است که در میان سناریوهای ممکن، احتمال بیشتری برای وقوع دارد. در تعیین این سناریو، محقق باید بتواند دلایل محتمل بودن آن سناریو را به خوبی توضیح دهد.

۳- سناریو (آینده) مطلوب یا مرجح: سناریو مرجح نیز آینده‌ای است که برای به وقوع پیوستن مرجح‌ترین است (خاشعی، ۱۳۹۰، صص. ۲۶-۲۷).
نکته مهم در این زمینه آن است که دو سطح نخست به قابلیت وقوع یا تحقق آینده مربوط می‌شود، اما سطح سوم تابع نوع و میزان شناخت افراد از وضعیت کنونی، معیارهای شناختی آنها، علایق، ارزش‌ها و قضاوت‌های انسانی است؛ بنابراین، این سناریو برای افراد مختلف متفاوت خواهد بود (حاجیانی، ۱۳۹۱، صص. ۳۵-۳۶).
گام‌های عملیاتی کردن این روش عبارت‌اند از: ۱- آگاهی دقیق از وضعیت موجود، ۲- تعیین مرجع و هدف از سناریونگاری، ۳- تعیین سناریوهای مختلف، ۴- تعیین سناریوی مطلوب، ۵- ارائه توصیه‌ها یا راهکارهای تحقق سناریوی مطلوب (حاجیانی، ۱۳۹۱، ص. ۳۳۶). سناریوپردازی در اینجا ماهیت تلفیقی دارد؛ هم اکتشافی است؛ زیرا ابتدا به بررسی نیروهای موجود پرداخته می‌شود و هنجاری است؛ زیرا با بررسی نیروهای موجود، تلاش می‌شود تا کیفیت رقم خوردن آینده مطلوب تجویز شود.

۶. ناموزونی تغییر نظام اجتماعی در ایران امروز

مهم‌ترین مفروض پژوهش حاضر آن است که حوزه فرهنگی - اجتماعی کشور در شرایط امروزی در مقایسه با گذشته (حداقل دو دهه گذشته) واجد تحول و تنوع شده است. این تغییر وجوه و شقوق مختلفی دارد؛ از تغییرهای شکلی تا تغییرهایی معنایی را در برمی‌گیرد که به‌عنوان مثال می‌توان به تغییرهایی از قبیل تغییر در نحوه و شکل پوشش و تغییر در نوع و میزان مصرف کالاهای فرهنگی تا تغییرهایی از قبیل روی آوردن به برخی سبک‌های نامألوف زندگی، تغییر در الگوهای دوستی و حتی روابط خانوادگی، بی‌تفاوتی اجتماعی، گسترش برخی آسیب‌های اجتماعی مانند: طلاق، حاشیه‌نشینی و...، گسترش ریسک‌پذیری جنسی، مسائل ازدواج و تحولات دینداری ایرانیان از قبیل توجه به برخی عرفان‌های نوظهور و فرقه‌های کاذب و... اشاره نمود (به‌عنوان نمونه ر.ک: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۶).



با وقوف به تغییرهای مورد اشاره در بالا، می‌توان گفت که اکنون نوعی عدم تعادل و ناموزونی تغییر در نظام اجتماعی در ایران وجود دارد. بر اساس کارکردگرایی ساختاری پارسونز، ریشه این ناموزونی را می‌توان بر مبنای این گزاره که ایران امروز با تفاوت آهنگ تغییر در بین سیستم‌های فرعی نظام اجتماعی مواجه است، تشریح کرد؛ زیرا بر اساس انگاره پارسونز، تفاوت مذکور موجب عدم تعادل و بی‌ثباتی می‌شود؛ به‌ویژه تحول در نظام فرهنگی و ارزشی، کل نظام اجتماعی را نامتعادل می‌کند.

در توضیح این عدم تعادل باید گفت که شدت و میزان تحولات فرهنگی بسیار بیشتر و بالاتر از تحولات سایر حوزه‌ها، به‌ویژه حوزه سیاسی است؛ یعنی در شرایطی که در حوزه فرهنگی با تحولات پُردامنه و سریع مواجه هستیم، در حوزه سیاسی توان تطبیق با این تحولات سریع و پُردامنه یا وجود ندارد یا ضعیف است. حال سؤال این است که منابع و عوامل دگرگون‌ساز در حوزه فرهنگی - اجتماعی کشور کدامند؟ مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

۱-۶. رشد جمعیت

بر اساس یافته‌های برخی پژوهش‌ها، تأثیر تغییرات جمعیتی و پیامدهای ارزشی و فرهنگی تغییر جمعیتی در قالب جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱: تأثیر تغییرات جمعیتی و پیامدهای ارزشی و فرهنگی تغییر جمعیتی

پیامدهای ارزشی و فرهنگی تغییر جمعیتی	تغییرات جمعیتی
تغییر خواسته‌ها، انتظارات یا نگرش‌های تازه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی	افزایش سهم جوانان در ترکیب جمعیتی
آگاهی بیشتر به موقعیت اجتماعی زنان در جامعه، رشد گفتمان‌های جدید زنانه	افزایش تعداد زنان تحصیل‌کرده
رشد گرایش‌های فرهنگی شهری و رشد فرهنگ طبقه متوسط در بخش مهمی از جمعیت کشور	افزایش تعداد شهرنشینان
گسترش تعامل فرهنگی بین جوامع و تعامل فرهنگ بومی با فرهنگ بیگانه، افزایش نگاه انتقادی به فرهنگ سنتی	گسترش مهاجران و استفاده‌کنندگان از وسایل ارتباطی جدید

منبع: (ترکاشوند مرادآبادی؛ زندی و شمس قهفرخی، ۱۴۰۲، ص. ۱۷۲)

۲-۶. رشد طبقه متوسط شهری

اغلب از دوره سازندگی به‌عنوان دوره رشد طبقه متوسط شهری نام برده می‌شود (ر.ک: بحرانی، ۱۳۸۸، صص. ۱۵۸-۱۶۱؛ مقدم‌فر، ۱۳۹۷، صص. ۱۵۰-۱۵۷ و بشیریه،

۱۴۰۰، صص. ۱۳۰-۱۴۳). در توضیح باید گفت که در اصل، پیروزی انقلاب اسلامی زمینه‌ساز رشد طبقه متوسط بود؛ زیرا با استقرار نظام جمهوری اسلامی، به دلیل جهت‌گیری‌های طبقاتی دولت، اجرای برنامه‌های محرومیت‌زدایانه، سیاست‌های بازتوزیعی اقتصادی و فراهم شدن برابری نسبی فرصت برای تحصیل و احراز مناصب، طبقات پایین و محروم جامعه فرصت مناسبی به دست آوردند تا منزلت طبقاتی خود را تغییر دهند. در دوره بعد از جنگ و روی کار آمدن دولت سازندگی نیز با افزایش رشد شهرنشینی، توسعه دانشگاه‌ها، افزایش تعداد دانشجویان و افزایش سطح تحصیلات، اتخاذ سیاست‌های خصوصی‌سازی و تعدیل ساختاری، گسترش نظام اداری، تشویق مصرف‌گرایی و تمایل به ارزش‌های مادی و... طبقه متوسط شهری رشد کرد (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۲۸۰ و مقدم‌فر، ۱۳۹۷، صص. ۱۵۱-۱۵۶).

رشد طبقه متوسط شهری در این برهه دو وجه داشت؛ درحالی‌که این طبقه به لحاظ تعداد نفرات (جمعیت) رشد کرد، اما به لحاظ اقتصادی (افزایش نابرابری‌ها و شکاف طبقاتی)، در اثر پیامدهای سیاست‌های تعدیل ساختاری مانند افزایش نرخ تورم، تضعیف شد و این در حالی بود که این طبقه به لحاظ سیاسی و فرهنگی دچار تحولات ارزشی به صورت تقویت میل به تجمل‌گرایی، تغییر در میزان پایبندی به ارزش‌های مذهبی، غلبه ارزش‌های مادی و... شده بود (ر.ک: رفیع‌پور، ۱۳۷۷، صص. ۱۵۹-۲۱۷). تحولاتی که در مجموع در قالب مطالبه بیشتر آزادی و باز شدن بیشتر فضای فرهنگی کشور خود را نشان می‌داد.

این در حالی بود که فضای فرهنگی و سیاسی کشور به‌گونه‌ای نبود که پاسخگوی این مطالبات طبقه متوسط شهری باشد. مجموع این تحولات، سبب تقویت نارضایتی‌های این طبقه شد و در حمایت آنها از گفتمان انتقادی روشنفکران دینی و گفتمان اصلاحات در دوم خرداد ۱۳۷۶ تأثیرگذار بود (ر.ک: شادلو، ۱۳۸۶، صص. ۵۳۳-۵۳۲ و بشیریه، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۶). شاید بتوان گفت که آنچه این حمایت را تسریع کرد، رشد جمعیت جوانان و دانشجویان کشور در برهه مذکور بود؛ زیرا دانشگاه‌ها به یکی از مهم‌ترین مراکز استقبال از روشنفکران دینی و به‌مثابه پایگاه مهمی برای آنها بودند.

این ناهمگونی تغییر درباره طبقه متوسط شهری هم‌اکنون هم احساس می‌شود؛ بدین ترتیب که هم‌اکنون نیز علی‌رغم تضعیف سرمایه اقتصادی این طبقه، اما سرمایه فرهنگی آن رشد کرده است. به‌همین دلیل، طبقه متوسط شهری ظرفیت‌های انتقادی دارد (نیری؛ رفیعی و سمیعی اصفهانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۴). اگرچه با تخریب





و آشوب نیز همراهی نمی‌کند. به بیان دیگر، طبقه متوسط اگرچه از وضع موجود ناراضی است، اما خواهان برهم‌زدن آن نیز نیست که نمونه‌های آن را در عدم‌همراهی طبقه متوسط شهری با آشوب سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ می‌بینیم.

درباره طبقه متوسط همچنین باید توجه داشت که ارزش‌های موردنظر آن اکنون عمومیت یافته تلقی می‌شود، به گونه‌ای که امروزه تشخیص مرز بین طبقات سنتی و پایین با طبقه متوسط دشوار است؛ یعنی حتی طبقات سنتی هم تلاش می‌کنند که همانند طبقه متوسط زندگی کنند.

مهم‌ترین نکته درباره رشد طبقه متوسط شهری در ایران امروز آن است که این طبقه به میزانی که طبقه متوسط سنتی با نظام سیاسی حاکم احساس همبستگی و پیوستگی دارد، همبسته نیست (به‌عنوان نمونه ر.ک: رضایی بحرآباد و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۴) و به‌واسطه رشد و عمومیت‌یافتگی ارزش‌هایش، خواسته‌ها و مطالباتی معطوف به تغییر مطرح می‌کند. به تعبیر دقیق‌تر، اگرچه تحولات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از جمله سیاست‌های رفاهی منجر به رشد طبقه متوسط شهری شده، اما این طبقه الزاماً در نظم پارادایمی جمهوری اسلامی ایران هضم نشده است (ر.ک: هریس، ۱۳۹۸، ص. ۳۷۶)؛ بنابراین، همان‌گونه که اشاره شد، درحالی که خواهان تقابل آشکار با نظم پارادایمی حاکم و مایل به خشونت و آشوب نیست، اما ظرفیت انتقادی - اعتراضی دارد.

۳-۶. توسعه امواج جهانی شدن در ایران

در این زمینه باید اشاره کرد که در دهه هفتاد، علاوه بر تلویزیون و رادیو، اینترنت نیز از طریق شبکه تلفن بین‌المللی به تدریج در ایران گسترش یافت. ضمن اینکه توزیع نوارهای ویدئویی ممنوعه خارجی در بازار سیاه در حکم مجرای برای اثرپذیری بیشتر جامعه ایران از تهاجم فرهنگی غرب بود (وحدت، ۱۳۹۰، ص. ۲۶۵). آنچه در این میان، نفوذ و حضور غرب در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه فرهنگی، را به‌مثابه واقعیتی مقاومت‌ناپذیر جلوه‌گر ساخت، فروپاشی اتحاد شوروی و غلبه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری غرب بر جهان بود که در خلال آن، غرب توانست در قالب جهانی‌شدن (سازی)، خود را به‌عنوان نسخه نهایی حقیقت بر جهانیان تحمیل کند (بشیریه، ۱۴۰۰، صص. ۱۶۵-۱۷۵)؛ بنابراین، می‌توان گفت که به دلیل این تحولات فرهنگی، غیر یا دگرگفت‌مان مسلط در ایران توانست در محیط درونی آن رشد کند و زمینه‌هایی برای پذیرش آن فراهم شود.



به‌طور دقیق‌تر باید گفت که پیامد گسترش امواج جهانی شدن در ایران، پیدایش و توسعه یک‌سری نیازها و مطالبات نوین در جامعه ایران است که اهم آنها عبارت‌اند از: نیاز به آزادی و مردم‌سالاری، نیاز به عدالت اجتماعی، نیاز به برابری در سه حوزه فرصت‌ها و امتیازهای اجتماعی - اقتصادی، جنسیتی و اقلیت‌ها با اکثریت (ر.ک: احمدی، ۱۳۹۰، صص. ۳۳۰-۳۴۰). قابل ذکر است که اگرچه انقلاب اسلامی در پاسخگویی به این نیازها آهنگ حرکت رو به رشدی داشته، اما با تأثیرپذیری جامعه ایرانی از گفتمان‌های بین‌المللی به‌واسطه جهانی شدن، درک از این نیازها دگرگون شده است؛ به‌عنوان مثال، درحالی‌که آزادی در ایران امروز وجود دارد، اما چون درک از آزادی نزد لایه‌هایی از جامعه متفاوت است، آنها مطالبه آزادی دارند.

۴-۶. تحولات کالایی و بسط فناوری به‌ویژه فضای مجازی

تحولات کالایی، به‌ویژه رواج «مصرف نوین» در ایران؛ یعنی مصرفی که نه صرفاً برای رفع نیازهای واقعی، بلکه به‌منظور تظاهر، ارضای روانی، تشخص و... صورت می‌گیرد (بودریار، ۱۳۹۰، ص. ۵۸) و همگانی شدن فناوری در ایران امروز، ضمن فراهم کردن زمینه‌هایی برای بازاندیشی در سنت، سبب امتزاج افق‌های آگاهی (البته در موارد بسیاری آگاهی کاذب) در جامعه شده، تردید در ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی سنتی شده و به‌نوعی بحران یوتوپیا (آرمان‌شهر) یا تغییر در برداشت از نظم آرمانی در لایه‌هایی از جامعه را در پی داشته است (ستاری، ۱۳۹۵). کانون وقوع این تغییر نیز طبقه متوسط شهری است. افزایش میل به مهاجرت از ایران به سایر کشورها به‌ویژه در میان قشرهای تحصیل‌کرده، گویای آن است که حداقل قشر تحصیل‌کرده طبقه متوسط، آرمان‌شهر خود را غرب می‌داند؛ به‌عنوان مثال، بر اساس آمار منتشر شده در «سالنامه مهاجرتی ایران ۱۴۰۱»، تعداد دانشجویان ایرانی خارج از کشور با افزایش تقریباً چهار برابری از ۱۷۴۴۲ دانشجو در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۶۶۷۰۱ دانشجو در سال ۲۰۲۰ رسیده و رتبه دانشجویفرستی ایران در این بازه زمانی، از ۱۴ به ۱۷ تغییر کرده است (رصدخانه مهاجرت ایران، ۱۴۰۱، ص. ۱۶۹).

به‌طور دقیق‌تر باید گفت که تحولات کالایی موجود، کم‌وبیش سبب بروز و ظهور الگوی جدیدی از روابط و مناسبات اجتماعی در ایران شده که می‌توان آن را «کالایی یا بازاری شدن روابط اجتماعی» نامید (ر.ک: نش، ۱۳۹۴). در این شرایط، منطق مبادله و بازار بر روابط اجتماعی حاکم می‌شود. مسلّم است که در این شرایط، ضریب آسیب‌پذیری هویت فرهنگی جامعه و بسترهای معنازدایی از زندگی تقویت می‌شود.





۵-۶. تغییر نسبی در مراجع فرهنگی

بدین معنا که مراجع سنتی فرهنگی مانند صداوسیما، خانواده، مدرسه، گروه‌های همسالان، روحانیت و علما، روشنفکران، نویسندگان و... دیگر در حوزه عمومی از جایگاه سابق خود برخوردار نیستند. به عبارت دقیق‌تر، با تحول ابزارهای ارتباطی و نمایان شدن مراجع دیگری مانند اشخاص مشهور (سلبریتی‌ها)، در کارکرد مراجع فرهنگ‌ساز سابق خلل‌های جدی وارد شده است. در واقع، مرجعیت اجتماعی از حدود دو دهه گذشته از گروه‌هایی چون روشنفکران، روحانیان، دانشگاهیان، نخبگان سیاسی و... به نفع هنرمندان، ورزشکاران و چهره‌های رسانه‌ای تغییر کرده است (فلاح، ۱۴۰۱، ص. ۱۲).

واقعیت غیرقابل‌تردیدی است که امروزه تأثیرگذاری اشخاص مشهور (سلبریتی‌ها) در حوزه عمومی ایران بیشتر از مراجع باصلاحیت سابق است. نکته مهم درباره این تغییر آن است که مختصات تحولات جمعیتی و نسلی را می‌توان در این تغییر در مراجع فرهنگی هم مشاهده کرد؛ بدین ترتیب که کم‌وکیف تحولات جمعیتی و نسلی در تغییر مراجع فرهنگی هم صدق می‌کند. مهم‌تر از این، با توجه به نقشی که مراجع فرهنگی - اجتماعی در جامعه‌پذیری نسل جوان دارند، با وجود تغییر آنها، جامعه‌پذیری نسل جوان کنونی تفاوت‌هایی با نسل‌های قبلی دارد (آزاد ارملی و غفاری، ۱۳۸۳، ص. ۷۰). به این بحث در ادامه بیشتر پرداخته می‌شود.

۶-۶. تفاوت‌های نسلی در کشور

به دلیل تغییر در برخی باورها، تفاوت در ادبیات و منطق فهم پدیده‌ها، درگیر شدن با شرایط جدید و... نسل جدید در مقایسه با نسل(های) قبلی، مطالبات نوینی دارد. جوانان در مرکز ثقل این جابجایی نسلی قرار گرفته و مطالبات تغییرخواهانه آنان عرصه‌ها و زمینه‌های گوناگونی را دربرمی‌گیرد. پدیده «اختلاف نسلی» از اینجا پدید آمده که عبور موفق از آن منوط به جامعه‌پذیری موفق و صحیح نسل جوان و نوجوان می‌باشد.

با این حال، چنانچه اختلاف نسلی از طریق جامعه‌پذیری حل نشود، می‌تواند منجر به «گسست نسلی» شود که محصول دگرگونی‌های فکری - فرهنگی در جامعه است. در توضیح باید گفت که اگرچه دگرگونی امری تدریجی و طبیعی است، اما وقتی با فشردگی زمانی همراه باشد، فاصله‌ای میان نسل قبل و نسل جدید ایجاد می‌کند که



در آن تحمل سائقه‌های فرهنگی نسل‌های مذکور برای همدیگر دشوار می‌شود. در این زمان، شکاف یا فاصله نسلی رخ می‌دهد که طی آن، جامعه با شکاف عدم‌توافق معنایی و شناختی و عدم‌وفاق در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مواجه می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۱).

درباره وقوع گسست نسلی در ایران امروز باید گفت که این امر مطلق و فراگیر نیست؛ زیرا به موازات تغییراتی که در نسل جوان در مقایسه با پدران آنها وجود دارد، همچنان شاهد پایبندی جوانان به بسیاری از میراث‌های فرهنگی و مذهبی هستیم. درواقع، در ایران امروز، نه گسست نسلی، بلکه تفاوت نسلی وجود دارد. در جدول زیر برخی از مهم‌ترین تفاوت‌های نسل‌های اول و دوم نسبت به نسل‌های سوم و چهارم انقلاب ارائه می‌شود.

جدول شماره ۲: مهم‌ترین تفاوت‌های نسل‌های اول و دوم نسبت به نسل‌های سوم و چهارم انقلاب

ویژگی‌های نسل اول و دوم انقلاب	ویژگی‌های نسل سوم و چهارم انقلاب
تجربه انقلاب و جنگ	فقدان ارتباط عاطفی با انقلاب و جنگ
طرح آرمان‌شهر و اصرار بر تحقق شعارهای اولیه انقلاب	دید نقادانه به فروریزی آرمان‌شهر و شکست اصلاحات
روحیه محافظه‌کار	روحیه جوانی و نوگرایی
زندگی در گذشته	زندگی در آینده
نسل پدرسالار	نسل فرزندسالار
عدم‌استقبال جدی از فناوری‌های اطلاعاتی (ممنوعیت ویدئو، ماهواره - نگاه منفی به اینترنت)	استقبال از فناوری‌های روز جهان
منابع اطلاعاتی محدود	منابع اطلاعاتی گسترده/ دسترسی به جریان آزاد اطلاعات
روحیه غیرانتقادی	روحیه انتقادی و چالش‌گر
توجه به آداب و رسوم، احترام به بزرگ‌ترها و تبعیت از رهبران	سنت‌شکنی، کاهش تبعیت از بزرگ‌ترها و رهبران
رویکردی دینی به مسائل	رویکردی علمی، فرهنگی، هنری و اجتماعی به مسائل

منبع: (زهیری، ۱۳۹۹، ص. ۹۹)

بنا به این ویژگی‌ها، نسل جوان امروزی با نوعی «انقلاب انتظارات» مواجه است و



بنابراین، مطالبه تغییر وضع موجود دارد. براین اساس، آنان، دارای ظرفیت‌های چالش‌گری بیشتری بوده و وقتی به انتظارات آنها پاسخ داده نشود، قابلیت بسیج‌گری و جهت دادن مطالبات آنها به اعتراض و حتی آشوب تقویت می‌شود (زهیری، ۱۳۹۹، ص. ۹۹).

۶-۷. منازعات نخبگان سیاسی

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در زمینه بازتولید فرهنگی در جامعه ایران امروز، ریشه در منازعات نخبگان سیاسی دارد که به صورت عدم‌اجماع و اختلاف در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی خود را نشان می‌دهد (دارابی، ۱۳۹۶ و ر.ک: کاظمی و بصیرنیا، ۱۳۹۹). سیاسی شدن مسائلی مانند حجاب و به‌طور کلی، مسائل مرتبط با حقوق زنان از جمله ورود زنان به ورزشگاه‌ها، دوچرخه‌سواری زنان و... با منازعات نخبگان و جریان‌های سیاسی پیوند دارد؛ بدین ترتیب که برخی جریان‌ها و نخبگان سیاسی تلاش می‌کنند تا با حمایت از مطالباتی این‌چنینی، در رقابت با نخبگان سیاسی رقیب، به یارگیری از جامعه به نفع خود پردازند. به عبارت دقیق‌تر، با توجه به تغییر مناسبات میان بلوک‌های نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران از حالت متحد به گسیخته، منازعه‌های آنها به جامعه سرریز شده، بیش‌ازپیش به شکاف‌های اجتماعی گره خورده و دوقطبی کردن جامعه ایران را در پی داشته است. در این شرایط، هم مطالبات خاصی که ماهیت فرهنگی اجتماعی دارند مانند آزادی حجاب بیشتر زمینه طرح پیدا می‌کند و هم ظرفیت منازعه‌آمیز و غیرقابل حل شدن آنها بیشتر می‌شود (ر.ک: قیصری و قربانی، ۱۴۰۰، ص. ۶۴).

۶-۸. جنگ شناختی دشمنان

جنگ شناختی دشمنان نیز واقعیتی است که اگرچه عامل مستقلى در فضای فرهنگی اجتماعی ایران تلقی نمی‌شود، اما در نقش یک آسانگر (کاتالیزور)، با سوار شدن بر تحولات رخ داده در بستر جامعه ایرانی، در تشدید سویه‌های رادیکال آنها و سیاسی کردنشان تأثیرگذار است. در واقع، در خلال جنگ شناختی تلاش می‌شود تا ضمن تشدید سویه‌های رادیکال این تحولات، آنها را به سمت مقابله با حاکمیت ارزش‌های رسمی هدایت کنند (ر.ک: مقدم‌فر و محسنی آهویی، ۱۴۰۰).

آنچه گفته شد را به صورت خلاصه می‌توان این‌گونه بیان کرد که با توجه به رشد جمعیت به‌ویژه افزایش تعداد زنان و جوانان در هرم سنی جمعیت کشور، رشد



سرمایه فرهنگی طبقه متوسط شهری، در کنار گسترش امواج جهانی‌سازی در ایران ام‌زم از وجوه ابزاری و گفتمانی آن، همچنین وقوع تحولات کالایی در ایران به‌ویژه رواج مصرف نوین و همگانی شدن استفاده از فضای مجازی، در مراجع فرهنگی - اجتماعی تغییراتی صورت گرفته؛ بدین ترتیب که گروه‌های مرجع جدیدی مانند هنرپیشه‌ها، ورزشکاران و... ظهور کرده و درعین حال، در کارکرد گروه‌های مرجع پیشین مانند روشنفکران، روحانیون، دانشگاهیان و... خلل‌هایی وارد شده است. متأثر از این عوامل، جامعه‌پذیری نسل جوان و نوجوان کنونی در ایران با نسل(های) قبلی تفاوت‌هایی دارد. به‌همین دلیل، هم‌اکنون خواسته‌هایی معطوف به تغییر در برخی انگاره‌ها، راهبردها، سیاست‌ها کم‌وبیش در جامعه مطرح می‌باشد.

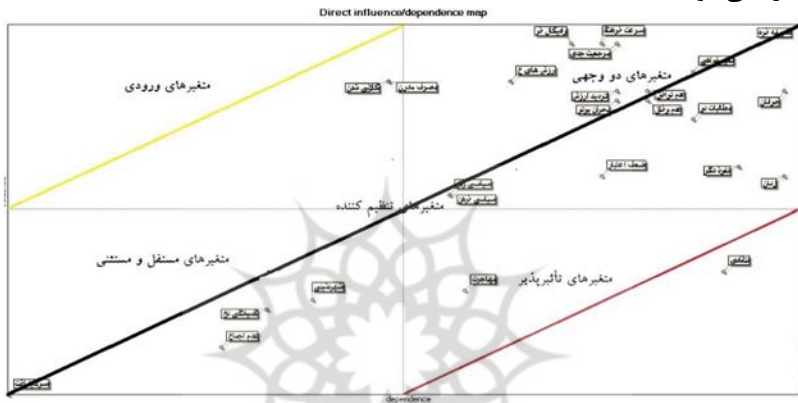
در این شرایط، نخبگان سیاسی نیز با وقوف به این تغییرات، با توجه به حاکمیت بازی با حاصل جمع صفر و گسیختگی مناسبات میان بلوک‌های نخبگان سیاسی تلاش می‌کنند تا در رقابت‌های سیاسی - جناحی، با طرح شعارهای رادیکال به‌ویژه در حوزه مطالبات فرهنگی تلاش می‌کنند تا آرای لایه‌های تغییرخواه را به نفع خود بسیج کنند. درنهایت، دشمنان نظام نیز در قالب جنگ شناختی تلاش می‌کنند تا هم در سرعت این تغییرات دمیده و هم سمت‌وسوی آنها را به تقابل با ارزش‌های رسمی هدایت کنند.

پیامد این تحولات، گشوده شدن بیشتر جامعه و تولید بیگانگی‌های سیاسی جدید در حوزه عمومی است (ستاری، ۱۳۹۵، ص. ۱۵). به‌این ترتیب که در اثر این تحولات، طبقه متوسط شهری نه‌تنها بزرگ شده، بلکه ظرفیت‌های انتقادی - اعتراضی آن نسبت به نظم و ارزش‌های رسمی هم تقویت شده است. به‌طور دقیق‌تر باید گفت که متأثر از این تحولات، بخش‌هایی از طبقه متوسط شهری می‌کوشد تا با «پیشروی آرام» (Bayat, 2013)، توجه به ترجیحات و دستورکارهای حوزه رسمی و اتفاقاً در برخی موارد با هدف مقابله با آن، به مقاومت در برابر قدرت رسمی بپردازد. با این توضیح که چون آنها با فزونی و تقویت سرمایه فرهنگی مواجه هستند، قانون مقاومت آنها بیشتر بر حوزه‌های فرهنگی در رفتارهای معمولی زندگی روزمره متمرکز بوده و در قالب هویت مقاومت بروز می‌یابد. به چالش کشیدن ترجیحات نظام سیاسی در مسئله حجاب یکی از مهم‌ترین تجلیات این هویت مقاومت است.

۷. شناسایی متغیرهای کلیدی

در تلاش برای شناسایی متغیرهای کلیدی تحولات فرهنگی اجتماعی ایران امروز،

۲۵ متغیر از مؤلفه‌های ذکر شده در بالا احصا شد. سپس طی مصاحبه با ۱۰ نفر از اساتید علوم سیاسی دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و علامه طباطبائی و همچنین، تعداد معدودی از فعالان سیاسی - فرهنگی میزان تأثیر هر یک از متغیرها تعیین شد که با تحلیل ساختاری در ماتریس اثرات متقاطع با نرم‌افزار Micmac، متغیرهای کلیدی را شناسایی کرد. یافته‌های حاصل از این بخش که مهم‌ترین خروجی نرم‌افزار میک‌مک در تحلیل ساختاری است، اطلاعات گوناگونی را برای نگاشت سناریوهای مختلف در اختیار قرار می‌دهد که در زیر به مهم‌ترین این یافته‌ها اشاره می‌شود:



شکل (۲): نگاشت ماهیت متغیرهای تحولات فرهنگی اجتماعی ایران امروز

الف. پایداری سیستم: بر اساس نگاشت تأثیرات مستقیم متغیرها در ماتریس اثرات متقاطع، توزیع متغیرها در نمودار نشان‌دهنده وضعیت پایداری/ناپایداری است. براین اساس، اگر توزیع متغیرها در نمودار به شکل I باشد، نشان‌دهنده پایدار بودن سیستم است و بدان معناست که این سیستم با تغییرات اندک و یا تعدیل برخی متغیرها به راحتی دچار تغییر وضعیت نخواهد شد، اما توزیع متغیرها در نگاشت فوق نشان‌دهنده پراکنده بودن متغیرها حول محورهای گوناگون است؛ بنابراین، برای تغییر سیستم، نیاز به تغییرات گسترده‌ای در مؤلفه‌های فراوانی است و با تغییرات بخشی در یک بُعد یا یک یا چند متغیر، نمی‌توان تأثیرات تعقیبی را کنترل کرد؛ بنابراین، برای ایجاد تغییرات مثبت، نیاز به تغییرات زیادی در اغلب متغیرها است. اولویت این تغییرات در ادامه (یافته‌های زیر) مشخص شده است.

ب. متغیرهای ورودی (متغیرهای حیاتی/متغیرهای محیطی): این متغیرها در

شمال غربی نگاشت وابستگی/تأثیر (شکل شماره ۲) قرار دارند. دستکاری و تغییر این دسته متغیرها موجب بیشترین تغییرات در کل سیستم می‌شود و به دو دسته حیاتی و محیطی تقسیم می‌شوند. متغیرهای حیاتی در بالای خط قطری بخش شمال غربی نگاشت قرار دارند و بیشترین تأثیرگذاری را بر سیستم دارند. نگاشت فوق فاقد این قبیل متغیرها می‌باشد. همچنین در بخش پایینی خط قطری همین ناحیه، متغیرهای محیطی قرار دارند که با وجود تأثیرگذاری زیاد آنها بر سیستم، به دلیل محیطی و وابسته به بافت بودن، تغییرات آنها بسیار دشوار است، اما در صورت تغییر، تأثیرات بسیار بنیادینی بر تحولات فرهنگی اجتماعی ایران امروز برجای می‌گذارند. متغیرهای کالایی شدن و رواج مصرف نوین در ایران در این دسته قرار می‌گیرند.

ج. متغیرهای دووجهی (متغیرهای ریسک/متغیرهای هدف): این متغیرها که در قسمت شمال شرقی نگاشت تأثیرات قرار گرفته‌اند، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بالایی داشته و بنابراین، بسیار ناپایدارند و بر اساس شرایط حاکم بر سیستم، می‌توانند در نقش متغیرهای ورودی یا متغیرهای خروجی سیستم ظاهر شوند. این متغیرها به دو دسته متغیرهای ریسک و هدف تقسیم‌بندی می‌شوند. متغیرهای ریسک نقش کلیدی تری در سیستم داشته و تمایل بیشتری برای تبدیل شدن به متغیر ورودی دارند. این متغیرها در بالای خط قطری این بخش قرار دارند و بر این اساس، متغیرهای عدم توافق هنجاری و شناختی، تردید در ارزش‌های سنتی، بحران یوتوپیا، تغییرخواهی جوانان، رشد سرمایه فرهنگی طبقه متوسط شهری، عمومیت یافتگی ارزش‌های این طبقه، ظهور مراجع فرهنگی جدید، سیاسی کردن مسائل زنان، رادیکال و تقابلی شدن تحولات فرهنگی اجتماعی و سرعت بالای این تحولات در این دسته جای می‌گیرند. متغیرهای هدف، که در زیر خط قطری این ناحیه قرار دارند، بیشتر تأثیرپذیرند و تمایل دارند که تحت تأثیر سایر متغیرها به عنوان متغیر خروجی سیستم باشند. این متغیرها بیشتر نتیجه تکامل سیستم بوده؛ یعنی با دستکاری آنها می‌توان به تغییرات تکامل سیستم دست یافت. متغیرهای افزایش جمعیت زنان و جوانان، پیدایش مطالبات نوین در جامعه ایران، عدم توافق هنجاری و ارزشی، سیاسی کردن تحولات فرهنگی اجتماعی، نفوذ دگرگفتمان مسلط در محیط درونی آن و تضعیف اعتبار مراجع فرهنگی سنتی در این دسته قرار دارند.

د. متغیرهای خروجی (وابسته): این متغیرها که در بخش جنوب شرقی نگاشت





قرار دارند، بیشترین حساسیت را نسبت به تغییر در متغیرهای ورودی و دوجوهی از خود نشان می‌دهند و دچار تغییر می‌شوند. این متغیرها تأثیرپذیری بالا و تأثیرگذاری کمی دارند. متغیر رشد مهاجرت از ایران و رشد ظرفیت‌های انتقادی طبقه متوسط شهری در این دسته جای گرفته است.

هـ متغیرهای مستقل (اهرمی/مستثنی): این متغیرها که در جنوب غربی نگاشت قرار دارند، ضعیف‌ترین رابطه را با سیستم تأثیرات دارند و به‌ندرت تأثیرگذار و تأثیرپذیر می‌شوند، اما با توجه به کاربست آنها در شرایط گوناگون، می‌توان از آنها استفاده کرد. این متغیرها در دو دسته اصلی جای گرفته‌اند؛ متغیرهای اهرمی، که در بالای خط قطری این ناحیه قرار دارند، دارای اهمیت راهبردی ثانویه هستند و در صورت ناکارآمد بودن تغییرات ایجادشده در متغیرهای حیاتی و محیطی، از آنها به‌عنوان متغیر اهرمی و کمکی برای ایجاد تغییرات در سیستم استفاده می‌شود. در این نگاشت، متغیر اهرمی وجود ندارد. در این میان، متغیرهای رشد شهرنشینی، گسیختگی مناسبات نخبگان سیاسی، عدم‌اجماع در سیاست‌گذاری فرهنگی و افول سرمایه اقتصادی طبقه متوسط شهری در زیر خط قطری و در حیطه متغیرهای مستثنی قرار گرفته است که کمترین رابطه را با تحولات فرهنگی اجتماعی ایران امروز دارد. صرف‌نظر از مکان قرارگیری متغیرهای فوق، هر چه این متغیرها به خط قطری نزدیک‌تر باشند، در مقایسه با هم‌دسته‌های خود، تأثیر راهبردی‌تری دارند و بر این اساس اولویت‌بندی می‌شوند.

ح. متغیرهای کلیدی: این متغیرها قابل دستکاری و کنترل بوده و بنابراین، بر پویایی و تغییر سیستم، تأثیرگذارند. نحوه استقرار این متغیرها در نگاشت بدین صورت است که هر چه از ابتدای ناحیه جنوب غربی به سمت انتهای ناحیه شمال شرقی نزدیک شویم، بر میزان اهمیت و کلیدی (راهبردی) بودن متغیرها افزوده می‌شود. بر این اساس، متغیرهای رشد سرمایه فرهنگی طبقه متوسط شهری، رشد تغییرخواهی جوانان، عدم‌توافق معنایی و شناختی، عدم‌وفاق در ارزش‌ها و هنجارها، تردید در ارزش‌های سنتی و بحران یوتوپیا، پیدایش مطالبات نوین در جامعه، تضعیف اعتبار مراجع فرهنگی سنتی، سیاسی کردن مسائل زنان و سیاسی کردن تحولات فرهنگی اجتماعی، مهم‌ترین متغیرهای کلیدی تعیین‌کننده وضعیت تحولات فرهنگی اجتماعی ایران امروز می‌باشد.



۸. آینده چگونه رقم می‌خورد؟

با توجه به نگاشت فوق و شناسایی متغیرهای کلیدی، در ارتباط با آینده انقلاب می‌توان از سه سناریو بحث کرد:

۸-۱. سناریوی ممکن

فروپاشی سیاسی، استحاله، درونی کردن تغییرات فرهنگی - اجتماعی یا ارائه پاسخ معتبر به آنها، تداوم وضعیت موجود و... را می‌توان مجموع سناریوهای ممکن برای آینده انقلاب اسلامی با توجه به تحولات فرهنگی - اجتماعی دانست. در این میان، می‌توان سناریوی فروپاشی سیاسی را بعیدترین گزینه دانست به چند دلیل؛ قوت لایه‌های سنتی جامعه، عدم تمایل طبقه متوسط شهری به‌عنوان کانون رخداد تحولات فرهنگی اجتماعی به فروپاشی سیاسی با توجه به عدم همراهی این طبقه با آشوب سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، نبود پارادایم قدرت رقیب و جایگزین مقبول برای جمهوری اسلامی.

۸-۲. سناریوی محتمل

با توجه به تغییرات رخ داده در فضای فرهنگی - اجتماعی کشور، می‌توان از سه نوع سناریوی محتمل درباره آینده سخن گفت:

۸-۲-۱. شکل‌گیری جنبش‌های ریزوموار (ناجنبش‌ها)

با توجه به رشد سرمایه فرهنگی طبقه متوسط شهری، رشد تغییرخواهی جوانان، عدم توافق معنایی و شناختی و عدم وفاق در ارزش‌ها و هنجارها، که اتفاقاً کلیدی‌ترین متغیرها بر اساس موقعیتشان در نگاشت بالا می‌باشد، فضای فرهنگی اجتماعی کشور، مستعد شکل‌گیری ناجنبش‌هایی (با محوریت جوانان) است که بیشتر ماهیت فرهنگی داشته، در صدد اعتبارزدایی از معنای مسلط هستند و مقاومت در برابر قدرت را به‌مثابه سیاست ابراز وجود پیگیری می‌کنند (ر.ک: تاجیک، ۱۳۹۸ و Bayat, 2013). فضای شکل‌گرفته پیرامون فوت مهسا امینی در روزهای ابتدایی (قبل از ورود اعتراض‌ها به فاز خشونت‌آمیز) را می‌توان ناشی از این پدیده دانست. ناگفته پیداست که این‌گونه جنبش و فضایی، براحتی قابلیت کانالیزه شدن از سوی دشمنان خارجی و ضدانقلاب دارد؛ امری که در آشوب‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم.



۸-۲-۲. وقوع آشوب‌های کور

با توجه به مجموع متغیرهای کلیدی احصاشده از قبیل رشد سرمایه فرهنگی طبقه متوسط شهری، رشد تغییرخواهی جوانان، عدم توافق معنایی و شناختی، عدم وفای در ارزش‌ها و هنجارها، تردید در ارزش‌های سنتی و بحران یوتوپیا، پیدایش مطالبات نوین در جامعه، تضعیف اعتبار مراجع فرهنگی سنتی، سیاسی کردن مسائل زنان و سیاسی کردن تحولات فرهنگی اجتماعی، ورود لایه‌های اجتماعی که هویت مقاومت داشته و با پیش‌روی آرام درصدد اعتبارزدایی از ارزش‌ها و هویت مسلط هستند، به اردوکشی خیابانی، دست به ترور، خشونت، ناامنی و... محتمل به‌نظر می‌رسد. آشوب‌های شکل گرفته بعد از فوت مهسا امینی در ماه‌های اخیر را می‌توان در این قالب تحلیل کرد.

۸-۲-۳. استحاله نظام

این تغییرات، به‌ویژه با بهره‌برداری نخبگان برون‌گرا (غرب‌گرا) از آنها، می‌تواند زمینه استحاله انقلاب اسلامی از درون را فراهم کند (حاجی ناصری و شیخ‌سرای، ۱۳۹۶، صص. ۱۳۶-۱۳۷). این امر در برهه‌هایی مانند انتخابات موضوعیت پیدا می‌کند؛ بدین ترتیب که نخبگان برون‌گرا با تلاش برای اتخاذ مواضع رادیکال فرهنگی تلاش می‌کنند تا خواسته‌ها و مطالبات لایه‌هایی از جامعه که سویه‌های انتقادی - اعتراضی نسبت به ارزش‌ها و شیوه‌های مسلط دارند را نمایندگی کنند؛ امری که در انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ شاهد آن بودیم. پیامد نهایی این وضعیت ایجاد دوگانه‌سازی میان حل مشکلات کشور با تداوم سیاست‌ها و راهبردهای منبعث از هویت مسلط مانند استکبارستیزی است؛ بدین ترتیب که راه‌حل مشکلات را در عدول از داعیه‌های هویتی مذکور تلقی می‌کنند.

درواقع، تغییرات رخ داده در فضای فرهنگی - اجتماعی کشور از آنجا که می‌تواند زمینه‌ساز قدرت‌گیری نخبگان غرب‌گرا در ایران شود، می‌تواند استحاله را به سناریوی محتمل برای آینده انقلاب اسلامی تبدیل کند؛ زیرا نخبگان مذکور هم نگاه ترمیدوری یا شبه‌ترمیدوری دارند و هم با اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر نگاه به خارج، تحقق توسعه و حل مشکلات اقتصادی را با وجود هویت مسلط و سیاست‌های منبعث از آن را غیرممکن می‌دانند (قربانی و نوری اصل، ۱۴۰۱، صص. ۵۹-۶۸).



۸-۳. سناریوی مطلوب (درونی کردن و حل این تغییرات)

مسئله اصلی در اینجا این است که چگونه هم می‌توان به نیازها و تغییرات اجتماعی پاسخ داد یا به عبارتی، پاسخ‌های معتبری برای حل آنها ارائه داد، به گونه‌ای که هم بتوان مانع از واگرایی‌های اجتماعی (تولید بیگانگی‌های سیاسی و تخلیه ظرفیت‌های انتقادی و اعتراضی طبقه متوسط شهری) شد و هم ساری و جاری شدن ارزش‌های اسلامی و انقلابی در جامعه تداوم پیدا کند. به نظر می‌رسد که راه‌حل اصلی در این زمینه، به ارائه «بديل‌های احسن» برمی‌گردد؛ بدین ترتیب که برای پاسخگویی به تغییرخواهی جوانان، آن‌هم در شرایط ضعف اعتبار مراجع فرهنگی سنتی، باید تلاش شود تا الگوها و شیوه‌های مناسب بومی ارائه شود. در واقع، با توجه به تحولات مذکور، نظام امیال لایه‌هایی از جامعه دگرگون شده و در مواجهه با آنها، به جای منع و محدودسازی، بایستی تلاش شود تا جایگزین‌های مناسب ارائه شود. به بیان دیگر، به جای منع کردن باید الگوهای نوینی برای پاسخ به مطالبات و خواست‌های فرهنگی اجتماعی ارائه شود.

تحقق این سناریو، با توجه به جامعیت آرمانی اسلام و تجهیز آن به برخی سازوکارهای معضل‌گشا و بن‌بست‌شکن مانند اجتهاد، مصلحت و... امکان‌پذیر است. در واقع، فرض اساسی در اینجا این است که فقه شیعه به مقدار کافی به سازوکارهای معضل‌گشا و بن‌بست‌شکن مجهز است و با اتکا به این سازوکارها و فعال‌سازی بیش‌ازپیش آنها، می‌توان بخش عمده این تغییرات را درونی کرد؛ بدین معنا که برای پاسخ به نیازها و خواسته‌های بدنه اجتماعی که دچار تغییرات ارزشی و نگرشی شده است، می‌توان با اتکا به ظرفیت‌های فقه شیعه از یک‌سو و تولیدات فرهنگی مناسب از سوی دیگر، پاسخ داد تا آنها یوتویپای خود را در خارج از کشور یا مبتنی بر الگوهای وارداتی جستجو نکنند. البته این به معنای پذیرش کامل تغییرات حوزه فرهنگی اجتماعی نیست.

در واقع، فقه اسلامی - شیعی به یکسری سازوکارهایی مجهز است که می‌تواند تضمین‌کننده کارآمدی عملی آن باشد؛ زیرا اساس این سازوکارها معطوف به مدیریت مسائل مستحدثه می‌باشد. اجتهاد روشمند، تکیه بر علم و استفاده از دستاوردهای علمی جدید، توجه به اصل مشورت با عقلا و صاحب‌نظران، مصلحت و اختیارات تفویض شده به حاکم اسلامی (حکم حکومتی) که بنا به آن، در صورتی که قوانین و احکام اولیه و ثانویه شریعت اسلامی نتوانند پاره‌ای از معضل‌ها و چالش‌ها را



حل کنند، حاکم اسلامی با توجه به داشتن ولایت مطلقه می‌تواند در چنین مواردی با وضع حکم، معضل‌ها و بن‌بست‌ها را حل کنند، مهم‌ترین این سازوکارها می‌باشند (ر.ک: کلانتری، ۱۳۹۳، صص. ۴۷۵-۴۸۰). به تعبیر دقیق‌تر، منظور آن است که با اتکای به ابزارها و سازوکارهای بن‌بست‌شکن موجود در فقه شیعه به‌ویژه اجتهاد روشمند، برای بخش عمده‌ای از تغییرات فرهنگی اجتماعی که در حیطه «منطقه الفراغ» قرار دارد و تعارضی با احکام شریعت ندارد یا پاسخ به آنها موجب عدول از احکام شرعی نمی‌شود، می‌توان راه‌گشایی‌هایی داشت.

در عین حال، مراقبت نسبت به سیاسی کردن مسائل زنان و سیاسی کردن تحولات فرهنگی اجتماعی، مقابله و محدودسازی دگرگفت‌مان مسلط (جهانی‌سازی غرب) یا تحدید کنشگری آن در فضای فرهنگی اجتماعی ایران، احیای مرجعیت مراجع فرهنگی سنتی مانند روحانیون، معلمان، اساتید دانشگاه و... می‌تواند در کنترل سناریوی استحاله انقلاب اسلامی کمک کند.

علاوه بر این، احیای انسجام نخبگان و جریان‌های سیاسی و تقویت کارآمدی و حل مشکلات اقتصادی هم می‌تواند بر فایق آمدن به سناریوی استحاله انقلاب با توجه به تحولات فرهنگی - اجتماعی، کمک بکند؛ زیرا بخشی از طبقه متوسطی که یوتوپیی خود را در خارج جستجو می‌کند و میل به مهاجرت از ایران دارد، بیشتر نگاه اقتصادی دارد و برای یافتن کار، افزایش سطح درآمد، بهبود و ارتقای استانداردهای رفاهی - مادی در زندگی و... اقدام به مهاجرت به خارج می‌کند که اگر این عوامل در داخل کشور به‌خوبی فراهم باشد، از شدت و میزان مواضع انتقادی و اعتراضی آنها و میلشان به مهاجرت کاسته خواهد شد.^۱ در عین حال باید توجه داشت که در صورت تقویت کارآمدی به‌ویژه در بعد اقتصادی آن، ذخیره‌های حمایتی نظام تقویت می‌شود و در این صورت، امکان نادیده گرفتن برخی مطالبات فرهنگی - اجتماعی خارج از چارچوب عرف و مقررات کشور آسان‌تر فراهم می‌شود. نکته مهم در این زمینه، به کیفیت حل مشکلات اقتصادی مربوط می‌شود.

۱. جمعیت ایرانیان در ۲۰ کشور با بیشترین جمعیت ایرانی در جهان، در حدود دو میلیون و ۶۲ هزار نفر تخمین زده می‌شود (رصدخانه مهاجرت ایران، ۱۴۰۱، ص. ۸۶). در همین زمینه، بیشترین تعداد مهاجران رسمی ایران، مهاجران ماهر و تحصیل کرده هستند. بر اساس آمار بانک اطلاعات مهاجرت OECD، ۵۰ درصد مهاجران ایرانی به کشورهای OECD، تحصیلات بالا دارند و ایران از نظر تعداد مهاجران تحصیل کرده به کل مهاجران در رتبه چهارم قرار دارد (رصدخانه مهاجرت ایران، ۱۴۰۱، ص. ۲۸۵). بر اساس یافته‌های رصدخانه مهاجرت ایران، همچنین، عمده مهاجرت‌ها از ایران، چه تحصیلی و پناهنجویی و... ماهیت اقتصادی دارد (رصدخانه مهاجرت ایران، ۱۴۰۱، ص. ۲۷۹).

درواقع، حل مشکلات اقتصادی در صورتی می‌تواند سبب تعدیل تحولات فرهنگی اجتماعی و کاستن از سویه‌های رادیکال آنها شود که این امر با اتکا به ظرفیت‌های داخلی صورت پذیرد؛ زیرا در صورت اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر برون‌گرایی برای حل مشکلات اقتصادی، همان‌گونه که در بالا اشاره شد، میان ارزش‌های فرهنگی و هویت مسلط با حل مشکلات اقتصادی دوگانه‌سازی ایجاد می‌شود که در این صورت، منازعه‌های نخبگان سیاسی تشدید و سمت‌وسوی تحولات فرهنگی اجتماعی رادیکال می‌شود.

نتیجه‌گیری

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن بود که با وجود تحولات رخ داده در حوزه فرهنگی اجتماعی جامعه ایران، آینده انقلاب اسلامی چگونه رقم خواهد خورد؟ یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که این تغییرات اگرچه نمی‌تواند سبب فروپاشی سیاسی شود، اما می‌تواند بستری برای شکل‌گیری ناچینش‌های اجتماعی، آشوب‌های کور و استحال انقلاب اسلامی شود. درواقع، از میان سناریوهای مطرح برای آینده انقلاب اسلامی، سناریوهای فروپاشی (به‌عنوان یکی از سناریوهای ممکن) و شکل‌گیری ناچینش‌ها، آشوب‌های کور و استحال (به‌عنوان سناریوی محتمل)، آینده منفی محسوب می‌شود.

آینده مطلوب برای انقلاب اسلامی، تداوم و تعالی است که رقم خوردن آن، با توجه به وضع موجود فرهنگی جامعه ایران، در گروی توجه به چند اصل مهم است؛ فعال‌سازی ظرفیت‌های گره‌گشا و بن‌بست‌شکن فقه شیعه برای پاسخگویی معتبر به مطالبات فرهنگی اجتماعی نوین مطرح شده در جامعه؛ احیای انسجام نخبگان سیاسی و ارتقای کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه به‌منظور حل‌ورفع چالش‌های اقتصادی - معیشتی موجود در کشور با اتکا به ظرفیت‌های داخلی؛ خودداری از سیاسی کردن مسائل زنان و به‌طور کلی، مسائل حوزه فرهنگی اجتماعی کشور.

درعین‌حال، مبارزه با فساد اداری و روابط کالایی در بستر ساختارهای اداری، زمینه‌سازی بیش‌ازپیش برای چرخش نخبگان و جوان‌گرایی در اداره کشور، انعطاف و روزآمدسازی سیاست‌های فرهنگی کشور، پرهیز از نگاه‌های صفر و صدی در حوزه فرهنگی، راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات به‌منظور پایان دادن به استعمار مجازی (پلتفرمی) در ایران، تبیین دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در پاسداشت حقوق زنان، اهل سنت، اقلیت‌های مذهبی، آزادی بیان و... تبیین دستاوردهای جمهوری





اسلامی در خدمت‌رسانی به اقصی نقاط کشور، تبیین هنرمندانه ماهیت رویارویی نظام سلطه با انقلاب و نظام اسلامی در برهه کنونی و... نیز ضمن خنثی‌سازی بخش مهمی از جنگ شناختی دشمنان، در تلطیف فضای فرهنگی اجتماعی کشور و تخلیه سویه‌های انتقادی - اعتراضی آن اثرگذار خواهد بود.

در پایان پیشنهاد می‌شود تا مراجع تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیری نظام، در نظام برنامه‌ریزی راهبردی خود در زمینه تحقق هر چه بهتر جامعه‌پذیری سیاسی نسل جوان و نوجوان کشور دقت بیشتری مبذول دارند. در این زمینه، بازخوانی تولیدات صداوسیما، محتوای کتاب‌های درسی در مدارس و دانشگاه‌ها و نظام گزینش معلم و استاد ضروری به نظر می‌رسد. درعین حال، کنترل رواج مصرف مدرن با واقعی‌سازی هزینه‌های آن (حمایت دولت باید محدود به تأمین کالاهای اساسی باشد)، راهکار پیشنهادی دیگری است. به پژوهشگران مسائل ایران نیز پیشنهاد می‌شود که سایر ابعاد و حوزه‌های این موضوع به‌ویژه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی با توجه به تحولات حوزه اقتصادی، تأثیر تحریم‌های ضدایرانی بر تحولات فرهنگی اجتماعی ایران امروز، جایگاه و نقش نظام‌های معرفتی به‌ویژه گفتمان‌های هویتی در سرعت‌یافتگی تحولات این حوزه و... بپردازند.

فهرست منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۲). تجربه جهانی و گسست فرهنگی - اجتماعی ایران. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی نسلی در ایران. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰). بنیادهای هویت ملی ایرانی: چهارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بحرانی، محمدحسین (۱۳۸۸). طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۱۳۲۰-۱۳۸۱). تهران: آگاه.
- بشیریه، حسین (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی. تهران: نگاه معاصر.
- بلاندل، جین (۱۳۷۸). حکومت مقایسه‌ای. ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

بودریار، ژان (۱۳۹۰). *جامعه مصرفی*. ترجمه پیروز ایزدی، نشر ثالث.
 تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۸). *زیست جنبش (این جنبش یک جنبش نیست)*. تهران:
 نگاه معاصر.

ترکاشوند مرادآبادی، محمد؛ زندی، لیلا و شمس قهفرخی، فریده (۱۴۰۲). *تغییرات
 جمعیتی ایران و پیامدهای امنیتی آن در آینده*. مطالعات توسعه اجتماعی -
 اقتصادی، ۱(۱)، ۲۳۰-۲۶۳.

حاجی ناصری، سعید و شیخ‌سرایبی، نجف (۱۳۹۶). *آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی ایران*.
فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۶(۲۱)، ۱۲۹-۱۵۲.
 حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۱). *مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی*. تهران: دانشگاه
 امام صادق (علیه‌السلام).

حاجیان، ابراهیم و قصاب، محمود (۱۳۹۲). *آینده و سناریونگاری؛ طبقه‌بندی روش‌ها
 و دسته‌بندی سناریوها*. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۸(۲)، ۳۳-۶۲.
 خاشعی، رضا (۱۳۹۰). *سفر به آینده؛ آینده‌پژوهی، مفاهیم، مبانی و روش‌ها*. تهران:
 هنر رسانه.

دارابی، علی (۱۳۹۶). *آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی بیم‌ها و امیدها*. تهران: امیرکبیر.
 رصدخانه مهاجرتی ایران (۱۴۰۱). *سالنامه مهاجرتی ایران*. تهران: دانشگاه شریف.
 رضایی بحرآباد، حسن؛ مجدی، علی‌اکبر؛ صدرنوی، رامپور و بهروان، حسین
 (۱۳۹۸). *فرآیند تغییرات فرهنگی ایرانیان (تحلیل روایت تغییرات چند فرد
 ایرانی در چند دهه اخیر)*. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۵(۵۷)، ۱۱-۵۰.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). *توسعه و تضاد*. تهران: سهامی انتشار.
 ریتزر، جرج (۱۳۹۰). *مبانی نظریه جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*.
 ترجمه شهناز مسمی پرست، بی‌جا: بی‌نا.

زهیری، علیرضا (۱۳۹۹). *گذار نسلی در تجربه جمهوری اسلامی ایران*. *فصلنامه
 علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۸(۲۸)، ۹۷-۱۱۹.

ستاری، سجاد (۱۳۹۵). *قرارداد اجتماعی خاورمیانه‌ای (ماهیت، امکان و نحوه وجود)*.
دولت‌پژوهی، ۲(۵)، ۱-۲۸.

شادلو، عباس (۱۳۸۶). *تکثرگرایی در جریان اسلامی*. تهران: وزرا.
 عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۴). *تحلیلی بر چارچوب مطالعاتی آینده انقلاب اسلامی*.
 تهران: آفتاب توسعه.

فلاح، فاطمه (۱۴۰۱). *تحلیلی از وضعیت گروه‌های مرجع در ایران*. مرکز رصد



فرهنگی: <https://ircud.ir/fa/content/283962>

فوزی توپسرکانی، یحیی (۱۳۸۴). تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران. جلد دوم، تهران: عروج.

قربانی، مصطفی و نوری اصل، احد (۱۴۰۱). جریان‌شناسی سیاسی بر مبنای نسبت جریان‌های سیاسی با انقلاب اسلامی و مسائل آن. تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

قوام، سیدعبدعلی (۱۳۷۳). سیاست‌های مقایسه‌ای قومنس. تهران: سمت. قیصری، نوراله و قربانی، مصطفی (۱۴۰۰). گفتمان‌های هویتی و منازعات نخبگان سیاسی؛ الگوی نظری تبیین منازعات نخبگان سیاسی در ج.ا.ایران. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۹(۲۰)، ۴۴-۶۸.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت). مترجمان احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.

کاظمی، حجت و بصیرنیا، غلامرضا (۱۳۹۹). منازعات درونی ساخت سیاسی و چالش بازتولید فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، ۱۳(۳۷)، ۹-۳۵.

کلانتری، ابراهیم (۱۳۹۳). کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن. فصلنامه سیاست، ۴۴(۳)، ۴۶۵-۴۸۱.

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی ایران. تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

مقدم‌فر، حمیدرضا و محسنی آهویی، ابراهیم (۱۴۰۰). جنگ شناختی؛ علم پیروزی در نبرد ذهن‌ها. تهران: خبرگزاری تسنیم.

مقدم‌فر، عطاءالله (۱۳۹۷). تحول و جایگاه طبقه متوسط در ایران معاصر. تهران: آریابان.

نش، کیت (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت. تهران: کویر.

نیری، هومن؛ رفیعی، ابوذر و سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۸۴). تغییرات سرمایه فرهنگی و اقتصادی طبقه متوسط جدید و تأثیر آن بر رفتار سیاسی این طبقه در ایران پس از انقلاب (۱۳۹۷-۱۳۸۴). جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۲(۳)، ۱۰۵-۱۳۹.

واعظی‌نژاد، محمد (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی و روش‌های آن: <http://pajoohe.ir/>



Futures-Study_a-63721.aspx

وحدت، فرزین (۱۳۹۰). *رویارویی فکری ایران با مدرنیت*. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.

هریس، کوان (۱۳۹۸). *انقلاب اجتماعی (سیاست و دولت رفاه در ایران)*. ترجمه محمدرضا فدایی، تهران: شیرازه.

Bayat, A. (2013). *Life as politics: How ordinary people change the Middle East*. Stanford University Press.

References

- Azad Armaki, Taghi (2003). "Global Experience and Socio-Cultural Discontinuity of Iran", at: The collection of essays looking at the phenomenon of generational discontinuity, by Ali Akbar Alikhani, Tehran, University Jihad Humanities and Social Sciences Research Institute. (In persian)
- Azad Armaki, Taghi, Ghaffari, Gholamreza (2004). *Generational Sociology in Iran*, Tehran: Humanities and Social Sciences Research Institute. (In persian).
- Ahmadi, Hamid (2011). *Foundations of Iranian National Identity (a theoretical framework of citizen-oriented national identity)*. second edition, Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies. (In persian)
- Bashirieh, Hossein (2021). *Political Sociology of Iran during the Islamic Republic, ninth edition*, Tehran: Contemporary View. (In persian)
- Bahrani, Mohammad Hossein (2009). *The Middle Class and Political Developments in Contemporary Iran (1941-2001)*, Tehran: Agah. (In persian)
- Bayat, Asef(2010). *Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East*, Second Edition second Edition, Stanford University Press.
- Blundel, Jean (1999). *Comparative Government*, translated by Ali Morshidizad, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (In persian)
- Baudrillard, Jean (2011). *consumer society*, translated by Pirouz Izadi, Fourth edition, Tehran: Sales. (In persian)
- Castells, Manuel (2001). *Information Age: Economy, Society and Culture (The Power of Identity)*, second volume, translated by Hassan Chavoshian, Tehran: Tarhe No. (In persian)
- Darabi, Ali (2016). *Futures Study of the Islamic Revolution Fears and Hopes*, third edition, Tehran: Amir Kabir. (In persian)
- Eivazi, Mohammad Rahim (2014). *an analysis of the future study framework of the Islamic Revolution*", Tehran: Aftab Toseah. (In persian)
- Fallah, Fatemeh (2022). "Analysis of the status of reference groups in Iran", *Cultural Observation Report (17)*, Tehran: Cultural Observation



Center. (In persian)

- Fawzi, Yahya (2004). "Investigation of demographic changes after the revolution and its consequences on the legitimacy of the political system", Iranian Journal of Sociology, (5). (In persian)
- Fawzi, Yahya (2004). socio- political developments after the Islamic revolution in Iran (Volume II), Tehran: Oruj. (In persian)
- Ghawam, Abdul Ali (1994). Comparative Politics, Tehran: Ghoomes. (In persian)
- Gheisari, Nouralah, Ghorbani, Mustafa (2021). "Identity discourses and conflicts of political elites; A theoretical model for explaining the conflicts of political elites in I.R.I, Islamic Politics Research, ninth year, twentyth issue, autumn and winter, 44-68. (In persian)
- Ghorbani, Mustafa (2021). political current theory based on the relationship between political currents and the Islamic revolution and its issues, Tehran: Defa. (In persian)
- Haji Naseri, Saeed, Sheikhsarai, Najaf (2016). "The Future of Islamic Revolution", Researches of the Islamic Revolution, Year 6, Number 21, Summer. (In persian)
- Hajiani, Ebrahim (2011). Bases, principles and methods of future research, Tehran: Imam Sadeq University. (In persian)
- Hajiani, Ebrahim, Ghassa, Mahmoud (2012). "Future and scenario writing; Classification of methods and classification of scenarios", Socio-Cultural Strategy, second year, eighth issue, autumn. (In persian)
- Harris, Kevan (2018). Social Revolution (Politics and Welfare State in Iran), translated by Mohammad Reza Fadaei, Tehran: Shirazeh. (In persian)
- Iran Migration Observatory (2022). Iran Migration Outlook (Yearbook) 2022, Tehran: Sharif University. (In persian)
- Kalantari, Ebrahim (2013). "Effectiveness of the political system based on the theory of velayat faqih and its tools", Policy Quarterly (Magazine of Faculty of Law and Political Sciences), 44(3), Fall, 465-481. (In persian)
- Khashei, Reza (2010). Journey to the Future; Futures study, Concepts, Foundations and Methods, Tehran: Art Media. (In persian)
- Kazemi, Hojjat, Basirnia, Gholamreza (2017). "Internal conflicts of political construction and the challenge of cultural reproduction in the Islamic Republic of Iran", Intercultural Studies Quarterly, 13(37), 9-35. (In persian)
- Ministry of Culture and Islamic Guidance (2018). cultural changes after the revolution (collection of articles), Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication. (In persian)
- Moghaddamfar, Ataulah (2017). The evolution and position of the middle class in contemporary Iran, Tehran: Ariaban. (In persian)
- Moghaddamfar, Hamidreza, Mohseni Ahoyi, Ibrahim (2021). Cognitive War; The Science of Victory in the Battle of Minds, Tehran: Tasnim News Agency. (In persian)





- Nash, Keith (2014). *Contemporary Political Sociology: Globalization, Politics and Power*, thirteenth edition, translated by Mohammad Taghi Delfaraz, Tehran: Kavir. (In persian)
- Nayeri, Houman, Rafiei, Abuzar, Samii Esfahani, Alireza (2018). "Changes in the cultural and economic capital of the new middle class and its effect on the political behavior of this class in Iran after the revolution (2004-2017)", *Political Sociology of Iran*, year Second, number three (7 in a row), fall, 107-139. (In persian)
- Presidential Strategic Studies Center (2016). "Iran's Futures Study 2016", Tehran: Presidential Strategic Studies Center. (In persian)
- Ritzer, George (2011). *The Basics of Contemporary Sociological Theory and Its Classical Roots*, translated by Khalil Mirzaei and Ali Baghai Sarabi, Tehran: Sociologists. (In persian)
- Rafipour, Faramarz (1998). *Development and Conflict*, third edition, Tehran: Sahami Am. (In persian)
- Rezaei Bahrabad, Hassan and others (2018). "The Process of Cultural Changes of Iranians (Analysis of the Narrative of Changes in the Recent Decades)", *Cultural and Communication Studies*, Fifteenth Year, Winter, No. 57, 11-50. (In persian)
- Sattari, Sajjad (2016). *The Middle East Social Contract*, Government Research, second year, (5), Spring, 1-28. (In persian)
- Shadlou, Abbas (2006). *Pluralism in the Islamic Current*, Tehran: Vozara. (In persian)
- Tajik, Mohammad Reza (2018). *Life of the movement (this movement is not a movement)*, Tehran: contemporary view. (In persian)
- Vaezinejad, Mohammad (2016). "Future research and its methods", in: <http://pajoohe.ir/>. (In persian)
- Vahdat, Farzin (2010). *Iran's Intellectual Encounter with Modernity*, translated by Mehdi Haghghatkhah, third edition, Tehran: Ghoghnoos. (In persian)
- Zahiri, Alireza (2018). "Generational transition in the experience of the Islamic Republic of Iran", *Islamic Revolution Researches*, Spring, (28), 97-119. (In persian)

